

بگویند همسر آینده‌تان چه فیلم‌هایی دوست دارد  
تا بگویم مناسب ازدواج هست یا نه؟

## تأثیر فیلم‌ها بر روی زندگی زناشویی

میس‌زالزالک  
[gmail.com @misszalalak](mailto:misszalalak@gmail.com)

شاید به نظرتان مسخره بیاید، اما خیلی مهم است که شما قبل از ازدواج بدانید همسر آینده‌تان طرفدار سریال‌های تلویزیونی و سی‌دی فیلم‌های خارجی سانسور شده است یا طرفدار فیلم‌های روز خارجی بدون سانسور؟ می‌گویند این‌مساله چه ربطی به زندگی آینده‌ی یک زوج دارد؟! صبر کنید الان خدمتتان عرض می‌کنم.



### شوهر تپ «الف»:

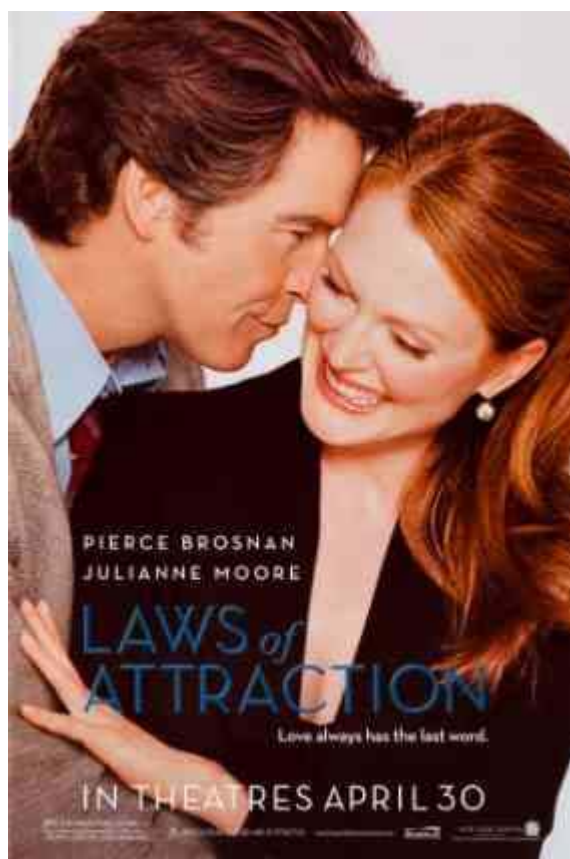
فکر کنید شوهرتان در تمام مدت عمرش فقط سریال‌های تلویزیونی ایرانی دیده. بگذارید زندگی‌ای که او آرزویش را دارد از لحظه‌ی ورودش به خانه برایتان ترسیم کنم. او با چند پاکت میوه به خانه می‌آید و وقتی با باسن مبارکش در را پشتش بست و بسته‌ها را به شما داد یک‌بار دست‌هایش را با محبت باز کرده و به سمت شما می‌آید. فکر می‌کنید که می‌خواهد شما را در آغوش بکشد. چشم‌هایتان را می‌بندید و لبان خود را غنچه می‌کنید و منتظر بوسه‌ی گرمش می‌مانید. اما کور خوانده‌اید! برادرتان پشت شما ایستاده. شوهرتان از کنار شما رد شده و او را محکم در آغوش می‌گیرد و چند ماچ آبدار به گونه‌هایش می‌چسباند. شما هم در عکس‌العمل به کار او، به آغوش مادرتان که کنارتان ایستاده پناه می‌برید و او کمی شانیه‌بانتان را مالش خواهد داد. اگر بدون دلیل اشکی هم از چشم‌هایتان بیاید قسمت ورود به خانه طبق الگوی سریال‌ها به‌طور کامل انجام گرفته است. اینجا رسالت وجودی برادر و مادرتان تمام می‌شود و آن‌ها خداحافظی کرده و می‌روند. سپس جناب شوهر می‌رود به دستشویی برای شستن دست و صورت و کارهای دیگر. شما حتما باید حوله به‌دست منتظر او پشت در دستشویی بمانید. (حوله را هم حتما باید از اتاق خواب بیاورید و نه از روی جاحوله‌ای دستشویی) وقتی دست و صورتش را خشک کرد حتما حوله را به روی مبل خواهد انداخت. (فیلم‌ها این‌طور به او یاد داده. بعد با شلوار گرمکن ورزشی (شکرخدا در طی سال‌های اخیر پیژامه راه‌راه به شلوار ورزشی ارتقا پیدا کرده) می‌آید روی مبل نشسته و پا روی پا می‌اندازد (این روزها تکیه زدن بر پشتی زمینه لاکمی هم تبدیل به مبل شده) و روزنامه‌ی زرد می‌خواند تا ببیند ناصر حجازی پشت فیروز کریمی چه گفته و بالعکس و آیا علی‌دایی اتوموبیل جدیدی خریده است و آیا با زینش سازش دارد؟ شما که از صبح توی خانه بوده‌اید و حوصله‌تان سر رفته. می‌خواهید درددل کنید. اما هنوز کامل نگفته‌اید که زری‌خانم همسایه‌ی طبقه بالایی پشت سر شمس‌ی خانوم همسایه‌ی طبقه پایینی چه چیزهایی گفته که شوهرتان سرش را از پشت روزنامه زرد بیرون می‌آورد و داد می‌زند: «زن! کم خاله‌زنک بازی در بیاور! در ضمن پس این چایی چی شد؟» و دوباره پشت روزنامه گم می‌شود. شما می‌دوید اول چایی می‌آورید و بعد شام را به تنهایی می‌کشید و روی میز می‌گذارید. سرشام دائم به او غذا تعارف می‌کنید و روی پلویش خورش می‌ریزید و لیوانش را با نوشابه‌ی زرد پر می‌کنید. بعد از شام او مستقیم از پشت میز بلند می‌شود و می‌رود روی مبل جلوی تلویزیون می‌نشیند و بدون این‌که دست به چیزی بزند مشغول دیدن سریال مورد علاقه‌اش می‌شود.

شما هم بعد از جمع کردن میز و شستن ظرفها می‌آیید در حالی که روی میز برای ناهار فردا سبزی قرمه پاک می‌کنید با فاصله‌ی دومتري از او جلوی تلویزیون می‌نشینید. بعد از مدتی شوهرتان بلند می‌شود و بدون نگاه کردن به شما می‌گوید که خسته‌است و باید برود بخوابد.

شما هم بعد از یکی دو ساعت همان‌طور با همان لباسی که از اول تئاتر بوده یعنی دامن گشاد بلند و مشکی و تونیک آستین بلند گل‌گلی و روسری بزرگ و با آرایش غلیظی که همیشه در صورتتان است می‌روید و با فاصله یک‌متری کنارش دراز می‌کشید. شوهرتان پشت به شما خوابیده و خروپفش هواست.

صبح تا شوهرتان دوش بگیرد شما میز صبحانه را چیده‌اید. شوهر تیپ الف وقتی از حمام می‌آید به کمریند حوله‌ی حمامش بسنده نمی‌کند و حتما یقه‌اش را تا نزدیک گردن سنجاق قفلی می‌زند و موهایش هم هرگز خیس نیست. در حال کفش پوشیدن برای رفتن به محل کار است. شما کفش را به دستش می‌دهید (این کیف سانسونت به دست شوهر دادن رل مهمی در زندگی زناشویی بازی می‌کند و بیشترین دیالوگ‌های عاشقانه‌ی عمر زوجین سر همین عمل رد و بدل می‌شود) در حالی که به جا کفشی خیره شده‌اید می‌پرسید: دوستم داری؟ او هم در حالی که پشتش به شماست و به دستگیره‌ی در خیره شده می‌گوید: البته و در را پشتش محکم می‌کوبد! شما خوشحال و راضی از این که مورد علاقه شوهرتان هستید، مشغول رتق و فتق امور خانه می‌شوید.

شوهر تیپ «الف» معمولاً برای تعطیلات آخر هفته‌ها شما را به منزل مامانش اپنا می‌برد. در خیابان با فاصله‌ی یک متری شما حرکت می‌کند و معمولاً دست پسران را در دست می‌گیرد و شما دست دخترتان را.



### شوهر تیپ «ب»:

شوهر شما اصلاً به سریال‌های تلویزیونی خودمان علاقه ندارد و طرفدار فیلم‌های خارجی بدون سانسور است. این تیپ شوهر معمولاً با یک شکلات قلبی یا عروسک خرسی، زرافه‌ای کلاغی چیزی وارد خانه می‌شود. به محض ورود می‌دود شما را در آغوش گرفته و می‌برد هوا و می‌بوسد. خدا را چه دیده‌اید، ممکن است در همان حال شما را یک دور، دور، اتاق هم بچرخاند. اگر شما هم طرفدار این نوع فیلم‌ها باشید متقابلاً او را گرم می‌بوسید. شام درست نکرده‌اید. تمام مدت مشغول خواندن کتاب و حل جدول و ترجمه کردن یک مقاله بوده‌اید. غصه نخورید، شوهر تیپ «ب» غمی به خود راه نمی‌دهد، جیب‌هایش را می‌گردد. اگر پول داشت شما را یک رستوران مشتی دعوت می‌کند و اگر نداشت با شما به آشپزخانه می‌آید و دوتایی مشغول درست کردن ماکارونی می‌شوید.

گاهی وسط کار، گردن شما را می‌بوسد و گاهی شما کمی سس قرمز به شوخی به صورتش می‌مالید. با هم می‌خندید و همدیگر را عسلم و خوشگلم صدا می‌زنید. میز را با هم می‌چینید و با هم جمع می‌کنید و در تمام مدت با هم گپ می‌زنید.

جلوی شوهر تیپ «ب» می‌شود شلواریک و تاپ پوشید، بدون این‌که او مرتب برود پرده‌های پنجره را چک کند که می‌آید کمی کنار رفته باشد و همسایه‌ها به خانه دید داشته باشند.

او بی‌خیال این چیزها است. بعد از دوش گرفتن هم هرگز بالای حوله‌اش را سنجاق نمی‌زند. شما هم در این نوع زندگی اجازه حمام کردن و حوله پوشیدن دارید و نباید یک لنگه پا دم دستشویی برای حوله دادن به او کشیک بکشید.

شوهر تیپ «ب» برای آخر هفته‌ها شما را به تئاتر یا کنسرت، و یا ویلایی در خارج شهر دعوت می‌کند و شما مخیر هستید که هر کدام را قبول بکنید یا نه. وقتی هم در کوچه و خیابان با هم قدم می‌زنید دوست دارد دستتان را در بازویش حلقه کنید.

موقع خواب با هم به اتاق خواب رفته و هر دو لباس خواب به تن می‌کنید. شما در این نوع زندگی می‌توانید شب آرایش‌تان را پاک کنید (شاید هم اصلاً از اول، آرایش نداشته باشید) و به‌جای پشت به هم نوع «الف»، در آغوش یکدیگر می‌خوابید. البته کارهای دیگری هم می‌کنید که از گفتنش معذورم!

حالا باز هم بگویید این دو نوع شوهر فرقی با هم ندارند